

حکومت و زنان سرپرست خانوار

* آمنة بختیاری
** سیده فاطمه محبی



چکیده

امروزه پدیده خانوارهای «زن سرپرست» به دلایل مختلف در تمام دنیا رو به فزونی است. اغلب این خانوارها دارای مشکلات عدیده‌ای هستند، به گونه‌ای که اخیراً فزونی زنان سرپرست خانوار به صورت معضلی اجتماعی مطرح می‌شود. این گروه از زنان اغلب با عوامل آسیب‌زایی همچون تبعیضات فرهنگی، ضعف دسترسی به فرصت‌های شغلی، بی‌سوادی یا کم‌سوادی، نداشتن درآمد مستمر و مشکلات روحی و روانی مواجه می‌باشند که در صورت فقدان حمایت‌های همه جانبه هزینه‌های آسیب‌زایی را به جامعه تحمیل خواهند نمود. لذا نقش نهادهای دولتی در نظام اسلامی در ساماندهی این گروه حائز اهمیت می‌باشد.

کلید واژه

خانواده، زنان سرپرست خانوار، نهادهای دولتی، حکومت.

* - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی
** - دانش‌آموخته کارشناسی ارشد پژوهش علوم اجتماعی

۱- مقدمه

زنان سرپرست خانوار از جمله گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی هستند که با مشکلات و موانع زیادی در زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی خویش مواجهند. با لحاظ مشکلات و مسائل شهرنشینی در شهرهای بزرگ و عدم توجه به رفع معضلات خانوارهای زن سرپرست این گروه می‌توانند آسیب‌های جبران‌ناپذیری را بر جامعه وارد سازند. بدین لحاظ توجه دقیق به مسایل و مشکلات آنها و ارائه راهکارهای درست و اصولی به منظور حمایت از این قشر از جمله وظایف نهادها و سازمان‌های خدمات اجتماعی هر کشور است. امروزه مشکلات این گروه از زنان به حدی است که ضرورتاً نهاد و سازمان حقوقی خاصی باید حمایت و صیانت از آنان را بر عهده بگیرد.

از آن‌جا که تعداد زنان سرپرست خانوار به جهت افزایش نرخ طلاق، افزایش نرخ جرایم اجتماعی، افزایش تعداد زندانیان، اعتیاد یا مهاجرت سرپرست خانوار روندی صعودی دارد، لازم است تدابیری اتخاذ شود تا مشکلات آنها موجب اختلال در نظم و ثبات اجتماعی و تکمیل زنجیره آسیب‌های اجتماعی نگردد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مبتنی بر موازین دین مبین اسلام، اصول ۲۰، ۱۰، ۲۱ و ۲۹ قانون اساسی بر تأمین نیازهای افرادی سرپرست و زنان سرپرست خانوار به عنوان اقشار آسیب‌پذیر جامعه تأکید نموده است. قانونگذار نظام اسلامی با توجه به اصل حفظ نهاد خانواده، اصل برقراری عدالت اجتماعی، اصل پیشگیری از مفاسد اجتماعی، اصل رعایت حقوق شهروندی موظف بوده است تا این گروه را زیر چتر حمایتی خود قرار دهد. از جانب دیگر مطابق با آموزه‌های مذهب تشیع، حاکمان حکومت اسلامی ملزم به بذل توجه ویژه در امور اقتصادی و اجتماعی افرادی هستند که از عهده مخارج خود برنیامده و مشکلات بسیاری را متحمل می‌شوند. امام صادق (علیه السلام)

می‌فرماید: پیغمبر ﷺ فرمودند: من از هر مؤمنی به خود سزاوارترم و اولویت دارم و پس از من این سزاواری را علی علیه السلام دارد. به حضرت عرض شد: معنی این سخن چیست؟ فرمود: فرمایش پیغمبر اسلام است که هر که بمیرد و از خود بدهی یا بازماندگان بی‌سرپرست بجا گذارد، بر عهده من است (که دینش را ادا کنم و از بازماندگانش سرپرستی نمایم) و هر که بمیرد و مال از خود بجا گذارد، از آن ورثه است، پس هرگاه هر فردی مالی نداشته باشد، بر خود ولایت ندارد و چون مخارج عیال خود را نپردازد، بر آنها حق امر و نهی ندارد و پیامبر اسلام ﷺ و امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان بعد از ایشان ملزم هستند (که مخارج آنها را بپردازند) از این رو ایشان نسبت به خود مردم اولویت دارند و تنها چیزی که موجب شد عموم یهود به دین اسلام روی آوردند همین سخن رسول خدا ﷺ بود، زیرا ایشان نسبت به خود و عیالات خود آسوده خاطر شدند. (زیرا دانستند که اگر بی‌سرپرست باشند و خانواده آنها پس از مرگشان، مخارج و سرپرستی نداشته باشند، نگهداری و کفالت آنها بر عهده رسول خدا ﷺ و پس از آن حضرت به عهده جانشین اوست) (اصول کافی، ص ۲۶۴) بر این مبنا در دوران غیبت فرزند رسول خدا ﷺ نیز این مسئولیت بر عهده مسئولین حکومت اسلامی بوده و توجه ویژه ایشان را می‌طلبد.

۲- تعریف مفاهیم کلیدی

۲-۱) تعریف خانواده و خانوار

خانواده^۱ در تعریف جامعه‌شناختی آن شامل دو یا بیش از دو شخص است که با یکدیگر زندگی می‌کنند و با پیوند خونی، نکاحی یا فرزند خواندگی^۲ به یکدیگر مرتبط‌اند. بسیاری از صاحب‌نظران بر این عقیده‌اند که کارکرد اصلی خانواده تولید

1- family

2- adoption

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

مثل و تربیت فرزندان است و این امر جز از طریق پیوند نکاحی یا زناشویی مرد و زن امکان‌پذیر نیست و آنچه را که خارج از این مقوله قرار گیرد، خانواده ناکامل می‌خوانند که بیشتر به مفهوم خانوار^۱ نزدیک است تا خانواده به معنای یک واحد زیستی.

مفهوم خانوار در واقع مبتنی بر یک تعریف کلی و عملیاتی از گرد هم آمدن اشخاص با نسبت‌ها و روابط متفاوت در زیر یک سقف واحد است و از این رو، به ویژه در تعریف آماری، اغلب از اصطلاح خانوار به جای خانواده استفاده می‌شود. در یک جمله، خانوار از چند نفر تشکیل می‌شود که با هم در یک اقامتگاه زندگی می‌کنند، با یکدیگر هم خرج هستند و معمولاً با هم غذا می‌خورند. به این ترتیب، فردی هم که به تنهایی زندگی می‌کند، خانوار محسوب می‌شود (بهنام، ۱۳۵۰: ص ۱۳).

۲-۲) مفهوم سرپرست خانوار

منظور از سرپرست خانوار یکی از اعضای خانوار است که در خانوار به این عنوان شناخته می‌شود. در صورتی که اعضای خانوار قادر به تعیین سرپرست نباشند؛ مسن‌ترین عضو خانوار به عنوان سرپرست خانوار تلقی می‌شود. در خانوارهای یک نفره، همان شخص، سرپرست خانوار است. (همان). این تعریف در مرکز آمار ایران هم استفاده می‌شود که موجب کم‌شماری خانواده‌های زن سرپرست شده است.

۲-۳) تعریف زنان سرپرست خانوار

در جوامع مختلف، بسته به الگوهای فرهنگی خاص جامعه، با توجه به نقش‌های مختلف زنان در خانواده، تعاریف متفاوتی برای زنان سرپرست خانوار

1- household

وجود دارد. به همین جهت تعریف واژه زنان سرپرست خانوار تا حدودی دشوار است، زیرا در برخی از خانواده‌ها علیرغم حضور مرد بزرگسال در خانواده، زنان نان‌آور خانواده هستند و عملاً خانواده توسط آنان سرپرستی می‌شود. در مجموع حدود ۷۷ تعریف متفاوت از واژه سرپرست خانوار وجود دارد.

از نظر جامعه‌شناسان واژه سرپرست خانواده^۱ یک اصطلاح توصیفی است و سرپرست خانواده به کسی اطلاق می‌شود که قدرت قابل ملاحظه‌ای در مقایسه با سایر اعضای خانواده دارد و معمولاً مسن‌ترین فرد خانواده است و مسئولیت‌های اقتصادی خانواده به عهده وی می‌باشد. این تعریف تا سال‌های اخیر در کشورهای اروپای غربی رایج بود (cf. Mc Gowan, 1990).

در تعریف دیگری، زنان سرپرست خانواده، زنانی هستند که بدون حضور منظم یا حمایت یک مرد بزرگسال، سرپرستی خانواده را به عهده دارند (cf. Buvinic, Youssef & Lm, 1978).

بر مبنای تعریف سازمان بهزیستی، زنان سرپرست خانوار زنانی هستند که عهده‌دار تأمین معاش مادی و معنوی خود و اعضای خانوار هستند (سازمان بهزیستی، ۸۱-۱۳۷۹).

۳- انواع زنان سرپرست خانوار

در یک دسته‌بندی، زنان سرپرست خانوار به چند گروه عمده تقسیم می‌شوند: گروه اول: خانوارهایی که در آن، مرد به طور دائمی حضور ندارد و زنان به دلیل فوت همسر یا طلاق، بیوه شده‌اند یا دخترانی که ازدواج نکرده و تنها زندگی می‌کنند و سرپرستی خانواده را عهده‌دار می‌شوند.

گروه دوم: خانوارهایی که مرد به طور موقت و به دلیل مهاجرت، مفقودالثر

1- head of household

بودن، متواری یا زندانی بودن، نکاح منقطع، سربازی و... غایب می‌باشد و زن مجبور به تهیه معاش زندگی خود یا فرزندانش می‌باشد.

گروه سوم: خانوارهایی که مرد در آنها حضور دارد، اما به دلیل بیکاری، از کار افتادگی، و... نقشی در امرار معاش ندارد و زن عملاً مسئولیت زندگی خود و فرزندانش را عهده‌دار می‌شود.

دسته‌بندی دیگری از زنان سرپرست خانوار آنها را به دو دسته تقسیم می‌کند:

۱- زنان خود سرپرست که تحت عنوان خانوارهای تک نفره در سرشماری‌ها محسوب می‌شوند این گروه شامل دخترانی هستند که ازدواج نکرده یا مطلقه‌اند و مستقل زندگی می‌کنند که عمدتاً شاغل‌اند یا در اثر فوت والدین از مستمری آنها استفاده می‌کنند. البته تعدادی از دختران و زنان هستند که از نظر اقتصادی مخارج خود را تأمین می‌کنند، ولی چون نزد والدین یا اقوام خود زندگی می‌کنند، در آن خانوار به عنوان سرپرست به حساب نمی‌آیند.

آمار این گروه از زنان (خودسرپرست)، به دلیل افزایش امید به زندگی زنان نسبت به مردان، جدایی‌های غیرقانونی و روند فزاینده طلاق در جامعه، نسبتاً بالاست و همچنین رو به افزایش می‌باشد.

۲- زنان سرپرست خانوار که معمولاً سرپرستی فرزندان خود را برعهده دارند و گاهی نیز از والدین سالخورده یا سایر اعضای خانواده سرپرستی می‌کنند.

هر چند در تعریف مرکز آمار ایران در واژه «سرپرست خانوار»، «جنسیت» مشخص نیست، اما عواملی چند باعث می‌شود که مردان، سرپرست خانوار شمرده شوند. به عبارت دیگر علی‌رغم نامشخص بودن جنسیت در این تعریف، در تصور عموم مردم، مرد، سرپرست خانواده است؛ هر چند در خانواده‌هایی که به علل گوناگونی نظیر بیماری یا زندانی بودن، اعتیاد، بیکاری و مهاجرت، مرد در خانه حضور فعالی ندارد، این تصور مانع می‌شود تا سرپرست واقعی خانواده

معرفی شود. در حالی که در چنین خانواده‌هایی، زنان نان‌آور خانواده هستند، ولی در آمارهای رسمی این تعداد لحاظ نمی‌شوند.

براساس تعریف دیگری خانواده‌ها به دو گروه بزرگ تقسیم می‌شوند:

- ۱- خانوارهایی که سرپرستی آنان با هنجارها و ارزش‌های مرسوم در جامعه تعیین می‌شود. مانند زنان بیوه، مطلقه، هرگز ازدواج نکرده یا رها شده.
- ۲- خانوارهایی که سرپرستی آنها با نشانه‌های واقعی یعنی مدیریت روزانه خانه تعیین می‌شود. معمولاً یک مرد غیرفعال وجود دارد که به ظاهر رئیس خانواده است، اما به دلایل متفاوت قادر به اداره مالی و عاطفی خانواده نیست (cf. chat, 1989).

در واقع از میان خانوارهای ذیل، درصد قابل توجهی از آنها به وسیله زنان اداره می‌شوند، در صورتی که در سرشماری، زنان مدیر خانوارهای ذیل به حساب نمی‌آیند:

در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار، بیکار هستند.
در خانوارهایی که سرپرست مرد به طور موقت در خانواده حضور ندارد (زندانی، متواری و...)

در خانوارهایی که مردان سرپرست خانوار، سالمند یا از کار افتاده هستند.
در خانوارهای مهاجر افغانی (که سرپرست مرد در آنها حضور دائم ندارد).
همچنین زنان خودسرپرست که به دلایل مختلف نظیر جدایی و طلاق به خانه‌پدري بازگشته‌اند و دخترانی که در خانه‌پدري سکونت دارند، ولی ازدواج نکرده‌اند (شاغل هستند) نیز در سرشماری‌های رسمی انجام شده محاسبه نمی‌شوند (فروزان، بیگلریان، ۱۳۸۲: ص ۳۸).

۴) آمار زنان سرپرست خانوار

۴-۱) بررسی آماری در سایر کشورها

به طور کلی ۳۷ درصد از خانوارهای جهان را زنان سرپرستی می‌کنند. (مطبع، ۱۳۷۸: ص ۳) و بالغ بر ۷۰ درصد از خانوارهای تک نفره یا به عبارتی خودسرپرست در جهان، توسط زنان و ۳۰ درصد توسط مردان اداره می‌شود (الحداد، ۲۰۰۳: ص ۹).

با توجه به آمار ثبت شده از منابع رسمی، زنان سرپرست خانوار در دنیا ۹/۴۲ درصد کل خانوارها را تشکیل می‌دهند. در اروپا و آمریکا ۲۰-۱۵ درصد، آفریقا و جنوب آسیا ۳۰ درصد، یمن ۲۲ درصد، لبنان ۱۲ درصد و سودان ۶۶ درصد از خانوارها توسط زنان سرپرستی می‌شوند. (همان). زنان در مصر ۴۹ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و ۲۰ درصد از خانوارهای مصری توسط زنان سرپرستی می‌شوند (albayan, 2003, P.200).

مطالعات بهداشتی و جمعیت‌شناختی سازمان ملل حاکی از آن است که آمریکای لاتین و برخی از کشورهای واقع در منطقه صحرای آفریقا شاهد کمترین تفاوت‌ها در زمینه تعیین جنسیت سرپرست خانواده براساس اندازه خانواده هستند (به طور میانگین سرپرستی خانواده پنج نفره با مردان و چهار نفره با زنان). براساس مطالعات، این تفاوت‌ها در برخی کشورهای شمال آفریقا و آسیای غربی مشهودتر است (به طور میانگین سرپرستی خانواده شش نفره با مردان و چهار نفره با زنان). همچنین بررسی‌های انجام شده در سه کشور از چهار کشور واقع در آسیای غربی و شمال آفریقا نشان می‌دهد که بالغ بر ۸۰ درصد زنان سرپرست خانواده، جدا از همسر خود زندگی می‌کنند، طلاق گرفته یا بیوه‌اند.

بر اساس تحقیقات بین‌المللی ۶۰ درصد زنان در جهان نان‌آور خانه‌اند و مطالعات آماری اخیر در دنیا نشانگر افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار است.

در اروپای غربی نیز درصد خانواده‌های زن سرپرست به کل خانواده‌ها ۳۱ درصد است که ۱۸ تا ۲۵ درصد از خانواده‌های فقیر زن سرپرست هستند. این درصد در ایرلند ۴۰ و در کانادا ۵۰ درصد است. در کشورهای در حال توسعه هم بین ۲۰ تا ۵۰ درصد کل خانواده‌ها به وسیله زنان اداره می‌شود.

۴-۲) بررسی آماری در ایران

۴-۲-۱) جمعیت و سن

با تعریف مرکز آمار ایران و براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ در ایران، ۹/۲۴ درصد خانوارها، دارای سرپرست زن بوده‌اند که معادل یک میلیون و سی و هفت هزار خانوار می‌باشد. در حالی که این تعداد در سال ۱۳۵۵، برابر با ۸۰۰ هزار خانوار بوده است. از نظر جمعیتی، نسبت جمعیت تحت سرپرستی زنان ۵/۲ درصد بوده است که از نظر سن متوسط سنی زنان سرپرست خانوار شهری ۵۴/۵ و روستایی ۵۴/۱ سال است.

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

۴-۲-۲) تحصیلات و تأهل

در میان زنان سرپرست خانوار شهری ۴۳/۶ درصد باسوادند که این نسبت در نقاط روستایی ۱۶/۸ درصد است. از نظر وضعیت زناشویی ۱۸/۹ درصد زنان سرپرست خانوار شهری دارای همسر هستند که این نسبت در نقاط روستایی ۲۶/۲ درصد بوده است. نسبت افراد بی‌همسر بر اثر طلاق و فوت در بین زنان سرپرست خانوار به ترتیب در نقاط شهری ۵/۱ و ۷۱/۴ درصد بوده است و این میزان در میان زنان روستایی به ترتیب ۲/۳ و ۶۸/۹ درصد بوده است.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

۳-۲-۴) نرخ اشتغال

میزان اشتغال در جمعیت فعال از نظر اقتصادی برای زنان سرپرست خانوار شهری و روستایی به ترتیب ۹۶/۰ و ۹۷/۴ درصد است. مقایسه نرخ اشتغال به کار در میان زنان سرپرست خانوار با کل زنان کشور (۸/۱ درصد شهری و ۱۰/۷ درصد روستایی) نشان‌دهنده بالاتر بودن نرخ اشتغال زنان سرپرست خانوار نسبت به کل زنان است که می‌تواند به دلیل شرایط زندگی آنان و ضرورت پاسخگویی به نیازهای اعضای خانوار باشد.

۴-۲-۴) منبع درآمدی

در جامعه شهری ۳۱/۴ درصد و در جامعه روستایی ۴۴/۲ درصد زنان سرپرست خانوار دارای منابع درآمدی مستقل هستند و سایر زنان به طور عمده از طریق کمک سایر اعضای خانوار یا کمک‌های اتفاقی، امور اقتصادی خانوار را هدایت می‌کنند. به عبارت دیگر بیش از ۶۰ درصد خانوارهای دارای سرپرست زن به درآمدهای شغلی خود یا سایر اعضای خانوار متکی نیستند و از سایر منابع، معیشت خانوار را تأمین می‌کنند.

۵-۲-۴) نوع شغل

از لحاظ نوع اشتغال زنان سرپرست خانوار در نقاط شهری، بیشترین نسبت شاغلان در گروه شغلی و تخصصی، تکنسین و دستیار (۲۸/۶ درصد) است. پس از آن، گروه شغلی مربوط به صنعت‌گران و کارکنان مربوطه (۱۷/۱ درصد)، سپس گروه شغلی مشاغل خدماتی و فروشندگان (۱۲/۷ درصد) و در آخر کارگران ساده (۱۲/۳ درصد) بیشترین مشاغل آنان را تشکیل می‌دهند. ۴۸/۵ درصد زنان روستایی سرپرست خانوار جزء کارکنان ماهر گروه کشاورزی هستند و ۱۷/۵ درصد از آنان

حکومت و زنان سرپرست خانوار

جزء گروه صنعت‌گران و کارکنان مشاغل می‌باشند. از مجموع زنان شاغل سرپرست خانوار در نقاط شهری، به دلیل ثبات نسبی و وجود برخی مقررات حمایتی، ۵۰/۱ درصد زنان در بخش عمومی و ۴۶/۵ درصد در بخش خصوصی اشتغال دارند، در حالی که تنها ۱۶/۱ درصد زنان روستایی سرپرست خانوار در بخش دولتی فعال هستند و ۸۱/۳ درصد آنان در بخش خصوصی و در مشاغل کشاورزی، صنایع دستی و نظایر آن فعالیت می‌کنند.

۴-۲-۶) ساعات کار و هزینه خانوار

در مورد ساعات کار هفتگی سرپرست شاغل در شغل اصلی ۵۵/۹ درصد از خانوارهای دارای سرپرست زن در نقاط شهری و ۶۳/۱ درصد در نقاط روستایی، کمتر از ۴۲ ساعت در هفته کار می‌کنند که در مقایسه با مردان در نقاط شهری (۲۵/۲ درصد) و نقاط روستایی (۳۳ درصد) می‌توان این‌گونه نتیجه‌گیری کرد که دستیابی به شغل مناسب، کمتر در اختیار زنان سرپرست خانوار است و ایشان بیشتر در مشاغل پاره‌وقت که مشکل عدم ثبات شغلی یا کمی درآمد دارند، مشغول به کار می‌باشند. ۲۰/۷ درصد زنان سرپرست در نقاط شهری و ۱۵/۳ درصد در نقاط روستایی، کار خود را در سن ۳۰ سالگی یا بیشتر شروع کرده‌اند که اغلب امکان استخدام و استفاده از مزایای اداری را ندارند.

۵) تئوری‌ها و مبانی نظری

۵-۱) نظریات اسلام

در دیدگاه اسلام، زن و شوهر در همه امور خانوادگی و روابط بین خویش، از حقوق همسان و برابری برخوردارند، جز اینکه مرد در مدیریت و سرپرستی خانواده و سر و سامان بخشیدن به امر همسر خویش، دارای تکلیفی افزون‌تر

است. مرد به سبب پرداخت مهریه، تحمل هزینه زندگی، دفاع از خانواده و مسئولیت زندگی مشترک، از حق سرپرستی بهره‌مند است. البته این سرپرستی نشانه تقرب بیشتر مرد نزد خداوند نیست، زیرا زن و مرد از ریشه واحدی آفریده شده‌اند و هر یک می‌توانند با تقوا و ایمان به خداوند نزدیک شوند. قرآن کریم دلایل سرپرستی مردان را این‌گونه بیان می‌دارد:

«الرجال قوامون على النساء» ترجمه آیه چنین است: «مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است، به واسطه آن برتری که خدا بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آن که مردان از مال خود باید به زن نفقه دهند، پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران می‌باشند و آنچه را که خدا به حفظ آن امر فرموده نگهدارند و...»

مسئله سرپرستی و مدیریت، مسئله‌ای اساسی و مهم در جامعه بشری است و یکی از تفاوت‌های حقوقی زن و مرد در مدیریت است. قرآن کریم مدیریت خانواده را به عهده مردان گذاشته و زنان را در سایر مسئولیت‌های عظیم خانواده یعنی تربیت نسل و ایجاد آرامش و حرکت تکاملی مشمول نموده است. در آیه ششم سوره تحریم آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتش نگاهدارید، چنان آتشی که مردم و سنگ خارا آتش افروز اوست و...»

در خصوص لزوم تأمین مخارج زندگی توسط مرد خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر جا که خود سکونت گزینید آنها را نیز به قدر توانایی خود مسکن دهید. به آنان ضرر نزنید تا بر آنها تنگ آید و اگر آبستن بودند نفقه‌شان را بدهید تا وضع حمل کنند و اگر فرزندان شما را شیر می‌دهند، مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید...» (سوره طلاق، آیه ۶).

هم‌چنین راوی می‌گوید: به امام صادق (علیه السلام) عرض کردم: «پرداخت نفقه

حکومت و زنان سرپرست خانوار

چه کسی بر انسان واجب و الزامی است؟ فرمود: پدر و مادر، فرزند و همسر» (بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۷۴).

هم‌چنین امام صادق (ع) در تفسیر آیه «و من قدر علیه رزق فلینق ممّا آتاه الله» فرمود: «هرگاه مرد نفقه خود را به میزانی که برای او کفایت کند، بپردازد و نیز پوشاک وی را فراهم نماید، وظیفه‌اش را در مسئولیت اقتصاد خانواده انجام داده و گرنه آن دو از هم جدا می‌گردند» (همان، ص ۷).

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «کسی که برای روزی حلال خانواده‌اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کرده است» (بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۳).

هم‌چنین امام رضا (ع) می‌فرمایند: اگر زن نیازمند شود برعهده مرد است که نیاز او را برطرف ساخته و نفقه‌اش را بدهد؛ اما اگر مرد نیازمند گشت برعهده زن نیست که او را تأمین کند یا اگر محتاج و نیازمند شود هزینه و نفقه او را بپردازد. به همین دلیل ارث مردان دو برابر زنان است و این سخن خداوند نیز از همین جا نشأت می‌گیرد که می‌فرماید: مردان کارگزار و سرپرست زنانند، از آن روی که برخی را بر برخی فزونی و برتری داده و بدان سبب که مردان از مال خود به زنان نفقه دهند (داوودی، ۱۳۸۴: صص ۲۸۴-۲۵۱).

از نظر قوانین و مقررات حقوقی اسلام، زن وظیفه‌ای در تأمین نیازهای اقتصادی خانواده ندارد و می‌تواند درآمد فعالیت‌های خود را صرف امور شخصی خود یا پس‌انداز نماید. در این رابطه خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ...» (سوره نساء، آیه ۳۲). «... زنان را از آنچه بدست می‌آورند نصیبی است...»

بنابراین زن در سرپرستی خانواده نیز وظیفه‌ای ندارد و اگر این امور را عهده‌دار می‌شود عملی پرمشقت است که از روی فداکاری، احسان و تبرع انجام می‌دهد و اسلام نمی‌پسندد که زنان را موظف به آن نماید.

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

به طور کلی در دیدگاه اسلام، مسئولیت‌های مهم زن، تربیت نسل انسانی (فرزندان)، گرم نگهداشتن محیط خانه و فراهم‌سازی رشد و شکوفایی فضایل اخلاقی در خانواده است. ساختار جسمی و روحی زن با این مسئولیت مهم و ظریف تناسب دارد. درگیری و خشونت، ورود به چالش‌های اجتماعی و حضور در نبردهای سیاسی با آنچه که خداوند در سرنوشت و طبیعت او قرار داده است، همخوانی کمتری دارد. حال اگر زنانی که به دلایل مختلف علاوه بر مسئولیت‌های فرزندپروری مجبور شده‌اند که به تنهایی نقش اقتصادی خانواده را بردوش کشیده و جای خالی پدر را نیز در خانواده پرکنند، گرفتار تعدد نقش خواهند شد که بنابر نظر فوق احتمالاً تعارض بین این نقش‌ها بوجود خواهد آمد و اگر قوانینی در جامعه نباشد تا از آنها حمایت نماید و از تعارض نقش‌های آنان بکاهد مشکلات جدی برای این دسته از خانواده‌ها بوجود خواهد آمد.

در مورد تفاوت بین زن و مرد در دین و قصاص هم که از احکام ثابت اسلام بوده و قابل تغییر نیست، حکومت اسلامی در مقابل زنان سرپرست خانوار، مکلف به جبران خسارت می‌باشد و لازم است با توجه به این دو اصل از احکام اسلام درباره زنان شاغلی که درآمد خود را در اداره زندگی مشترک هزینه می‌کنند، به ویژه زنانی که سرپرستی خانواده را عهده‌دار هستند، تجدیدنظر نماید، زیرا با فوت زنان نان‌آور، اقتصاد خانواده آسیب دیده و اداره امور زندگی دچار اختلال و بحران می‌گردد.

۲-۵) نظریه‌های روانشناسی

روانشناسان معتقدند یکی از عمده‌ترین منابع استرس برای زنان، به‌ویژه زنان سرپرست خانواده ایفای نقش‌های متعدد در زمان واحد است. عمده‌ترین نقش پذیرفته شده برای مردان نقش نان‌آوری خانواده است و استرس‌های مربوط

به نقش در مردان معمولاً وابسته به نقش‌های شغلی آنان است. زنان سرپرست خانواده هم باید اداره امور اقتصادی را بر عهده داشته و استرس‌های مربوط به شغل و حرفه و تنظیم درآمد را تجربه کنند و هم استرس‌های نقش والدینی، تربیتی و حمایتی از فرزندان (cf. Branon, 1999).

آدامز^۱ اختلالات روانشناختی زنان سرپرست خانواده مطلقه را بررسی نموده و اظهار می‌دارد: مادر پس از طلاق در برابر یکسری از مشکلات قرار می‌گیرد، مانند: تأمین مراقبت از کودک، یافتن سرپناهی مناسب و تأمین معیشت خانواده و دشواری‌های ناشی از این که او تنها بزرگسال خانواده است و باید نقش پدر و نقش مادر را یکجا به عهده بگیرد، لذا باید به ایفای نقش‌های چندگانه‌ای پردازد که در برخی موارد ایفای این نقش‌ها با هم در تعارض هستند، لذا زن هم از حیث مادی و هم از حیث روانی-عاطفی دچار مشکل گردیده و استرس و اضطراب بیشتری را تجربه می‌کند.

برایسکو^۲ در بررسی ۳۹ مورد از زنان سرپرست خانوار به این نتیجه رسید که ۷۵ درصد از زنان این گروه، از بیماری‌های روانی رنج می‌برند که عمده‌ترین آنها با طلاق همبستگی نزدیک دارد که شامل اختلالات عاطفی، شخصیت ضد اجتماعی و هیستری می‌باشد (رک. باقری، عطاران، ۱۳۷۲).

پارکز با اشاره به افزایش مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، افسردگی و خودکشی در زنان بیوه را گزارش داده است که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد زنان بیوه به عنوان بیمار افسرده تشخیص داده شده‌اند که شاید بتوان افزایش این نوع رفتارهای خود تخریب‌گرایانه را حاصل افسردگی دانست.

ظهور علائم روانپزشکی (کلایتون، ۱۹۷۴؛ پارکز ۱۹۶۴) ابتلا به بیماری‌های روانی (بلین، هاروت، ۱۹۸۵) آغاز استفاده از خدمات روانپزشکی برای بیماران سرپایی

1- Adamaz, 1972

2- Brisco, 1973

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

(رابرتسون ۱۹۷۴؛ اشتین و سومر ۱۹۶۹) و خودکشی (لوک و ویر، ۱۹۷۲؛ کوسنگ، ۱۹۶۶؛ سی‌گول، ۱۹۶۹) همگی در بین زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، متداول‌تر از افراد متأهل بوده است (رک. عباس‌پور، ۱۳۷۲؛ به نقل از مادیسون و ویلول‌ها، ۱۹۶۸).

سبیل^۱، موقعیت اقتصادی، اجتماعی بالا را در انطباق با بیوگی و کاهش افسردگی مؤثر می‌داند. همچنین پارکز^۲ گزارش داده است که حدود ۱۰ تا ۲۰ درصد از زنان بیوه به عنوان بیمار افسرده تشخیص داده شده‌اند، به طوری که بسیاری از این افراد به میزان زیادی مصرف‌کننده داروهای خواب‌آور و آرام‌بخش بوده‌اند (خسروی، ۱۳۷۴؛ به نقل از پارکز ۱۹۸۳).

مروین سومر^۳ اظهار کرده است که احتمال ابتلا به بیماری‌های روانی در زنانی که طلاق گرفته‌اند و سرپرستی خانواده را نیز برعهده دارند، از متأهلین و کسانی که تنها زندگی می‌کنند، بیشتر است. از آنجائی که زنان سرپرست خانواده، علاوه بر وظایف مادری و تربیت فرزندان، نگهداری و مراقبت از آنان و اداره امور خانه، نقش اقتصادی خانواده را نیز برعهده دارند، ملزم به اشتغال بیرون از خانه می‌باشند و چون از اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نمی‌باشند و نقش‌های زن و مرد را همزمان ایفا می‌کنند، تا حدودی نوع و میزان استرس آنان از تجربه مردان متفاوت می‌باشد (cf. Blanon, 1999) این گروه از زنان علاوه بر ایفای نقش‌های متعددی همچون اداره و انجام کارهای خانه، مراقبت‌های جسمی و هیجانی از اعضای خانواده را هم انجام می‌دهند که موجب می‌شود استرس و مشکلات روانی مختلفی را تجربه کنند. مسئله ایفای چند نقش در بین زنان سرپرست خانواده سبب می‌شود زمانی که می‌کوشند به شغل خود به اندازه کارهای خانه و مراقبت از فرزندان اهمیت بدهند، دچار تعارض نقش شوند که همین امر منجر به ایجاد استرس و اضطراب در آنان می‌گردد.

1- Sebil, 1986

2- Parkers, 1983

3- Somer, 1969

۳-۵) نظریات جامعه‌شناسی

وضعیت زندگی زنان سرپرست خانوار و کودکانشان مورد توجه و بررسی اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی قرار گرفته است، در واقع گسترش این شکل از خانواده در همه کشورهای جهان چه صنعتی و چه جهان سوم، ضرورت این بررسی را ایجاد کرده است.

۱-۳-۵) نظریه زنانه شدن فقر

طرفداران نظریه زنانه شدن فقر یا آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار معتقدند که خانواده‌های زن سرپرست نه تنها در همه کشورهای جهان گسترش یافته‌اند، بلکه روز به روز بر تعداد خانوارهای زن سرپرستی که در جمعیت کم درآمد قرار می‌گیرند، افزوده می‌شود. این مسئله حتی در کشورهایی که پیشرفته‌ترین قوانین را به نفع زنان داشته‌اند، دیده شده است. در این کشورها، به رغم کمک‌های دولتی به این زنان، فرآیند فقیر شدن زنان همچنان ادامه دارد. (cf. Shaffer, 1990)

از جمله سایر مشخصات خانواده‌های زن سرپرست، عدم دسترسی این گروه از زنان به مشاغل با منزلت است. به عبارت دیگر زنان سرپرست خانوار یا اغلب بیکارند یا دارای مشاغل حاشیه‌ای، نیمه‌وقت، غیررسمی و کم درآمد هستند. (cf. kissman, 1991; Rodgers; Doobe, 1989; chart, 1989)

مشکل دیگری که بر میزان آسیب‌پذیری این زنان می‌افزاید - حتی اگر در مشاغل با منزلت مشغول به کار باشند - مسئله تنظیم وقت برای انجام کار خانگی و کار بیرون از خانه است. این مشکل را صاحب نظران این دیدگاه اصطلاحاً فقر زمانی^۱ نامیده‌اند. یعنی زنانی که به طور تمام وقت و در شبکه رسمی بازار کار می‌کنند، برای انجام وظایف خانگی، رسیدگی به کودکان و انجام امور خود وقت کافی

1- Time poverty

ندارند. هنگامی که فقر زمانی، با فقر مادی همراه شود، این گروه را آسیب‌پذیرتر می‌کند (cf. kissman, 1991).

می‌توان شرایط حاکم بر زندگی این خانواده‌ها را به صورت زیر خلاصه کرد:

۱. عدم دسترسی به فرصت‌های شغلی برابر با مردان
۲. سطوح پایین‌تر سواد در بین زنان و بین فرزندان‌شان
۳. درصد بالای افت تحصیلی و بزهکاری کودکان و نوجوانان
۴. مسئله فقر زمانی برای زنان شاغل تمام وقت

۲-۳-۵) نظریه ساختی - کارکردی

بر اساس این نظریه، خانواده‌های زن سرپرست، با شکل طبیعی و سنتی خانواده‌های دو والدی در تضادند و در واقع پیدایش این گروه از خانواده‌ها، نوعی انحراف محسوب می‌شود. در این خانواده‌ها به علت غیبت پدر و عدم زندگانی زوجی، «شانس‌های زندگی» کودکان تا حد زیادی کاهش می‌یابد و عدم اقتدار پدر برای ساماندهی به زندگی خانوادگی، خانواده را با بحران مواجه می‌کند، بحرانی که با ورود زنان به بازار کار به جای انجام وظیفه سنتی (خانه‌داری) شروع شده و به تربیت نامناسب کودکان، افت تحصیلی و بزهکاری آنان ختم می‌شود (cf. chat, 1989).

بر اساس این نظریه «طبقه زیرین»^۱ از افراد منزوی تشکیل شده که در «محلات غیرسازمان یافته» ساکنند. در این محلات حضور خانواده‌های زن سرپرست شایع است. (cf. Abramovitz, 1992)

تفاوت این نظریه با نظریه قبلی این است که در نظریه قبلی علت اصلی آسیب‌پذیری زنان و کودکان «تبعیض‌های جنسیتی» بود، ولی در این نظریه،

1 . under class

به این جهت که شکل «طبیعی» زندگی خانوادگی؛ یعنی خانواده هسته‌ای - دو زوجی - از میان رفته است، خانواده‌های زن سرپرست به منزله نوعی انحراف از شکل طبیعی خانواده در نظر گرفته می‌شوند (Ibid).

۳-۳-۵) نظریه طبقاتی و ناتوانی دولت‌ها

در این نظریه عنوان می‌گردد که فقر و آسیب‌پذیری، مقوله‌ای طبقاتی است نه جنسیتی. بر مبنای این نظریه تمام زنان یا تمام زنان سرپرست خانوار در معرض فقر و آسیب‌پذیری نیستند، بلکه آن گروهی که از نظر طبقاتی در رده‌های پائین اجتماع قرار می‌گیرند، بیشتر در معرض آسیب هستند.

مهم‌ترین شاخص‌های تعیین طبقه عبارت است: درآمد، تحصیل و شغل. یعنی همه زنان سرپرست خانوار آسیب‌پذیر و فقیر نیستند، بلکه آن گروهی که درآمد کمتر، تحصیل کمتر و شغل کم منزلت‌تر دارند و در طبقه پائین اجتماعی قرار می‌گیرند آسیب‌پذیرترند.

در واقع آسیب‌پذیری زنان سرپرست خانوار و همه فقرای دیگر به دلیل فرآیند سیاسی - اجتماعی و اقتصادی مشترکی است که همگی آنها را از دسترسی به شرایط مناسب حیات محروم می‌نماید (cf. Gimenez, 1992).

به هر حال طرفداران نظریه طبقاتی اولاً آسیب‌پذیری و فقر زنان سرپرست خانوار را پدیده‌ای عمومی می‌دانند، ثانیاً علت اصلی آن را به نظام اقتصادی نابرابر یعنی سرمایه‌داری نسبت می‌دهند.

۴-۴-۵) نظریه کنش

به اعتقاد نظریه پردازان کنشی، اگرچه خانواده‌های زن سرپرست مشکلات متعددی دارند (به دلیل تحصیلات کم و تبعیض در بازار) ولی این مسئله به معنای

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

آن نیست که ایشان مطلقاً از این شرایط تأثیر می‌گیرند و نمی‌توانند بر مشکلات خود فائق آیند. به عبارت دیگر نمی‌توان این گروه از زنان را کاملاً «قربانی» و منفعل در برابر شرایط دانست، بلکه باید با بررسی تجربه‌های شخصی این زنان راه‌های مبارزه با شرایط حاکم بر زندگی آنان را از نزدیک شناخت. به عبارتی اطلاق لفظ «آسیب‌پذیر» به این گروه حداقل به طور مطلق و فراگیر درست نیست؛ زیرا به این ترتیب واکنش فردی یا جمعی آنان نسبت به تغییر و بهبود شرایطشان نادیده گرفته می‌شود (cf. Motie, 1997).

در مطالبات جامعه‌شناختی جدید بر این نکات تأکید می‌شود که:

- الف) - تقریباً در اکثر جوامع امروزی، جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت‌ها متفاوت است.
- ب) - جایگاه زنان در بیشتر موقعیت‌ها نه تنها با جایگاه مردان متفاوت است، بلکه اغلب از آن کم‌بها تر و پائین‌تر است.
- ج) - زنان علاوه بر نابرابر بودن پایگاه و تفاوت منزلت در شرایط واحد، غالباً از طریق قید و بندهای فراوان اجتماعی، تابعیت، تحصیل، سوء استفاده و بدرفتاری مردان تحت ستم قرار دارند.

۶) انواع مشکلات زنان سرپرست خانواده

۶-۱) مشکلات روحی- روانی

زنان سرپرست خانوار نسبت به مردان به دلیل داشتن چند نقش مختلف به طور همزمان مانند اداره امور خانه و تربیت و مراقبت از فرزندان به تنهایی و کار خارج از خانه با دستمزد کمتر، استرس و مسائل و مشکلات روانی بیشتری را تجربه می‌کنند.

تحقیقات lee در سال ۱۹۹۸ نشان داد که زنان سرپرست خانواده در مقایسه با

سایر زنان دچار مشکلات روانشناختی بیشتری هستند. آنها علاوه بر رویارویی با مشکلات اقتصادی با برخی فشارهای منفی اجتماعی همچون نگرش منفی نسبت به زنان بیوه و مطلقه روبرو هستند، البته نوع استرسورها، میزان حمایت‌های دریافتی، شدت علائم افسردگی در میان مادران مجرد و سرپرست خانواده و مادران متأهل متفاوت بوده و عمده‌ترین استرسورها برای مادران سرپرست و مجرد، بیکاری، درآمد ناکافی و مشکل مسکن می‌باشد که بیشترین همبستگی را با افسردگی نشان می‌دهد. (cf. lee.1998)

همچنین براساس تحقیقات انجام شده در ایران، زنان سرپرست خانوار در مقایسه با گروه کنترل، اختلالات روانشناختی (افسردگی، اضطراب، انزوا و شکایات جسمانی) بیشتری را تجربه کرده‌اند و در مقایسه با گروه کنترل بیشتر از شیوه‌های مقابله‌ای جسمانی‌سازی، جلب حمایت و مهار هیجانی استفاده می‌کنند. شیوه‌های مقابله مبتنی بر جسمانی‌سازی و مهار هیجانی، احساس ناتوانی در برآوردن خواسته‌های فرزندان، احساس تنهایی و بی‌کسی، فقدان فردی در جهت در میان گذاردن مشکلات فرزندان و نبود فرصت برای رسیدگی به مسائل تحصیلی فرزندان از مشکلات روانشناختی زنان است و در پیش‌بینی افسردگی علاوه بر موارد فوق، میزان درآمد نیز سهم قابل ملاحظه‌ای دارد (خسروی، ۱۳۸۳: صص ۶۸-۶۲).

بنابراین درآمد پائین و فقر، ایفای نقش‌های چندگانه و متعارض، فقدان حمایت‌های اجتماعی و نگرش منفی نسبت به زنان سرپرست خانواده موجب فشار و تنش، فرسودگی و احساس ناتوانی در این گروه از زنان می‌شود. این امر به نوبه خود می‌تواند به بروز اختلالات روانشناختی در فرد منجر شود.

یافته‌های تحقیقات در ایران و سایر نقاط جهان نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانواده با مشکلات اقتصادی، فشارهای مزمن و مداوم و نگرش‌های منفی اجتماعی نسبت به خود روبرو بوده و حمایت‌های اجتماعی بسیار کمی

را دریافت می‌کنند. بنابراین بالا بودن میزان اختلالات روانی در آنها تعجب‌آور نیست و در واقع بالا بودن میزان مشکلات روانی در آنان معلول شرایط اقتصادی - اجتماعی آنان است نه وابسته به جنسیت آنان (رک. مطیع، ۱۳۷۸).

در واقع چنانچه زنان سرپرست خانوار از منابع حمایتی خانواده و اجتماع برخوردار باشند با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهند بود و درجه آسیب‌پذیری آنان نسبت به مسائل و مشکلات روانی پائین خواهد آمد؛ ولی چنانچه خانواده آنان قادر به حمایت اقتصادی یا حتی نگهداری و مراقبت از فرزندان نباشند یا اینکه در جامعه مؤسساتی جهت ارائه خدمات حمایتی از زنان سرپرست خانواده وجود نداشته باشد، آنان مجبورند خود به تنهایی بار همه مشکلات را متحمل شوند. در نتیجه میزان آسیب‌پذیری آنان در قبال مشکلات روانی افزایش می‌یابد و مستعد اختلالات روانی می‌شوند (cf. Branon, 1999).

فشارهایی که بیشترین تأثیر را بر این گروه از زنان دارد و موجب افزایش ابتلا به افسردگی در آنان می‌شود عبارتند از:

مرکز تحقیقات پویا علوم اسلامی

- طلاق

- آزار و تجاوز جنسی

- تبعیض جنسیتی

- فقر و بی‌قدرتی (cf. Denelstein, 1993)

همان‌گونه که ذکر شد گروه عمده‌ای از زنان سرپرست خانواده با فقر، ناتوانی و بی‌قدرتی به ویژه در اداره امور اقتصادی خانواده روبه‌رو هستند، به طوری که عزت نفس و سلامتی روانی آنان را مختل و زمینه ابتلا به افسردگی و سایر اختلالات را فراهم می‌سازد. (cf. langlois & fortin, 1994)

از آنجا که زنان سرپرست خانوار، به شکل فزاینده‌ای فقیرتر هستند، این زنان در مقایسه با سایر زنان مشکلات روانشناختی بیشتری را تجربه می‌کنند. بدین دلیل

که آنها علاوه بر رویارویی با مشکلات اقتصادی با برخی فشارهای منفی اجتماعی همچون نگرش منفی نسبت به زنان بیوه و مطلقه و ازدواج مجدد آنها روبرو هستند (cf. Bablat, 1986). به نظر می‌رسد عمده‌ترین عوامل پیش‌بینی‌کننده مشکلات روانی

و به خصوص افسردگی در زنان سرپرست خانواده به شرح زیر می‌باشد:

- سابقه ابتلا به افسردگی با سایر بیماری‌های روانی

- سلامت جسمانی ضعیف و استفاده زیاد از خدمات پزشکی

- حمایت اجتماعی ضعیف

- عملکرد ضعیف نقشی

- بیکاری و فشارهای اقتصادی

بنابراین فشارهای مداوم و مزمنی که زنان سرپرست خانواده با آن روبرو هستند، می‌تواند پیامدهای روانشناختی مخربی داشته باشد.

از نظر سلامت جسمی بیش از نیمی از زنان سرپرست خانوار احساس ضعف و ناتوانی می‌کنند، این مشکل در جامعه شهری به ۵۹/۸ درصد می‌رسد. همچنین در ۶۰/۲ درصد از زنان سرپرست خانوار، احساس اضطراب و نگرانی از آینده وجود دارد (سازمان بهزیستی، ۸۰-۷۹).

در یک تقسیم‌بندی ایلجنفریتس^۱ مشکلات زنان سرپرست خانوار به دو دسته تقسیم می‌کند:

مشکلاتی که پیامد امکانات محدود خانواده و نیاز به انرژی و زمان برای تأمین حواجی مادی خانواده است.

مشکلاتی که مربوط به رابطه مادر با فرزندان از جهت انضباط و تربیت آنان و اطمینان در مورد سلامتی، بهداشت و رشد عاطفی آنان است.

به دلیل این دو دسته مشکلات، انتظار پیامدهای شخصی بی‌شماری از قبیل احساس

1- Iligenfrits, 1961

گناه، شکست و تنهایی که همواره مادر را مورد تهدید قرار می‌دهند، وجود دارد.

۲-۶) مشکلات خانوادگی

تفاوت دو جنس در تجربه فشارها و مشکلات روانشناختی ناشی از تفاوت نقش‌های مورد انتظار از زنان و مردان است که منجر به پیامدهای متفاوت می‌گردد. معمولاً از زنان انتظار می‌رود نسبت به نیازهای جسمانی، عاطفی و هیجانی‌های اعضای خانواده (همسر، فرزندان و بزرگسالان خانواده) بیشتر پاسخگو باشند. علاوه بر این موارد، بیشترین بخش اداره منزل (خرید، نظافت، آشپزی، مراقبت از فرزندان و رسیدگی به مسایل بهداشتی، تربیتی و تحصیلی فرزندان) برعهده زن است. این وظایف زن، ساخت نیافته است و ساعت شروع و خاتمه آن مشخص نیست و از آن پاداشی دریافت نمی‌شود؛ اما مجموعه این عوامل منجر به تجربه فشارهای دائم می‌شود، در حالی که نقش‌های مردان، ساخت یافته است و شروع و ختم آن دارای ساعت مشخصی می‌باشد و در ازای انجام کار و فعالیت خود پاداش دریافت می‌نمایند (cf. Brannon, 1999).

شاید دلیل وجود مشکلات عدیده برای زنان سرپرست خانواده بیش از مردان و سایر گروه‌های زنان مربوط به فشار نقش‌های چندگانه‌ای است که این دسته از زنان با آن مواجهند. در واقع زنان دارای فرزند، همانند زنان شاغل تمام وقتی هستند که باید نقش‌های چندگانه و گاه متعارضی را ایفا کنند، در حالی که در خانواده دارای قدرت و کنترل ناچیزی هستند (cf. Rosenfield, 1989).

به طور کلی تعارض نقش زمانی ظهور می‌کند که خواسته‌ها و انتظارات ناهم‌ساز از فرد وجود دارد، به طوری که فرد در انتخاب و انجام آنها دچار تعارض می‌شود. فرد از طرفی سعی دارد تمامی آن‌ها را به طور هم‌زمان انجام دهد، در حالی که در عمل چنین چیزی ممکن نیست. ابهام نقش نیز زمانی ایجاد می‌شود که فرد در مورد

رفتارها، خواسته‌ها و انتظارات، تصور روشن و واضحی در ذهن ندارد، بنابراین در بین زنان سرپرست خانواده تعارض و ابهام نقش به دلیل ناتوانی در ایجاد هماهنگی بین احتیاجات خود، فرزندان و سایر نزدیکان ایجاد می‌شود.

نتایج تحقیقات دیگری نشان داده است که در خانواده‌های زن سرپرست، مادرها استرس بیشتر و رضایت کمتری را احساس می‌کنند که می‌تواند به دلیل تحمل بار اضافی نقش و روابط اجتماعی منفی باشد. به گونه‌ای که بیشتر دچار انزوا و سرخوردگی اجتماعی می‌گردند و همین شرایط باعث سرریز شدن احساسات و عواطف منفی در آنان شده که در نهایت به بدرفتاری با کودکانشان منجر می‌شود (cf. Repetti & wood, 1997).

همچنین تحقیقات نشان داده‌اند مادران تنهایی که سطح بالایی از محرومیت اقتصادی را تجربه می‌کنند، بیش از سایرین از روش‌های تربیتی خشن در رابطه با فرزندان‌شان استفاده می‌کنند و نقش‌های مادری و مسئولیتی خود را بیش از سایرین منفی ارزیابی می‌کنند (cf. Mcloyod, jayaratne, ceballo & Borques, 1994).

اما کمیت نقش (تعداد نقش‌های فرد) به تنهایی باعث ایجاد فشار و تعارض نمی‌شود، بلکه توانایی فرد در کنترل شرایط و میزان حمایت‌های دریافتی از ناحیه فامیل و دوستان و آشنایان نقش تعیین کننده‌ای در ادراک فرد از فشارهای موجود دارد. بنابراین تأثیر مشکلات و استرسورها در زنان سرپرست خانواده، وابسته به میزان کنترل بر امور، نوع مهارت‌های مقابله‌ای، حمایت‌های اجتماعی و میزان شدت تغییرات حاصله در میزان درآمد، نوع مسکن و روابط خویشاوندی است.

علاوه بر اینها، اغلب این زنان (به خصوص زنان بیوه) در رابطه با ماندن در فامیل شوهر دچار مشکلاتی می‌شوند و معمولاً سایر زنان فامیل تمایل دارند آنان را طرد نموده و از ارتباط با آنها اجتناب نمایند، زیرا آنان را تهدیدی برای زندگی خود به حساب می‌آورند.

لوپاتا در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که زنان با مرگ همسر، مستعد جدا شدن از اجتماع هستند و نقش‌های قبلی شوهر (به عنوان شریک زندگی و عضو مشترک در معاشرت‌های اجتماعی) را برای ادامه ارتباطات گروهی و برخوردهای اجتماعی خود لازم و ضروری می‌دانند. این زنان بعد از مرگ همسر ارتباط خود را به راحتی با بستگان شوهر کم و در مواقعی قطع می‌کنند. (رک. عباسپور، ۱۳۷۲)

۳-۶) مشکلات اجتماعی

زنان سرپرست خانوار و فاقد همسر، با مشکل احساس تنهایی، انزوا، طرد شدگی و عدم درک از سوی دیگران مواجهند. فقدان حمایت‌های اجتماعی مهمترین عامل جهت پیش‌بینی پیامدهای منفی وضعیت این زنان است. زنان بیوه که سرپرستی خانواده را به عهده دارند، علاوه بر احساس تنهایی، فشار تأمین امور اقتصادی خانواده را نیز تجربه می‌کنند، امری که معمولاً در آن تجربه کافی ندارند. سایر مشکلات آنان عبارتند از: تعارضات خانوادگی، فقدان شغل و درآمد کافی، کمبود تجربه، فقدان همدم و احساس تنهایی. این فقدان به معنای طرد شدگی، عدم امنیت، فقدان حمایت‌های عاطفی، فقدان درآمد و نداشتن شریک زندگی و ضعف موقعیت اجتماعی است. (رک. خسروی، ۱۳۷۴).

لوپاتا^۱ براساس مصاحبه‌ای که با ۳۰۰ زن بیوه در شیکاگو انجام داده، ۱۰ مشکل مربوط به تنهایی آنان را مشخص کرده است:

۱. از دست دادن احساس مورد علاقه و ویژه بودن برای کسی
۲. از دست دادن فردی ویژه و عدم امکان همنشینی با او
۳. از دست دادن فرد مورد علاقه و عدم رسیدگی از سوی او

1- Lopata, 1969

۴. اشتیاق و آرزوی رابطه عمیق با دیگر انسان‌ها
۵. از دست دادن حضور دیگری در محیط خانه و خانواده
۶. عدم حضور همسر به عنوان یک شریک در زندگی و کارهای روزمره
۷. فقدان یک سبک مشخص از زندگی و آرزوی داشتن آن
۸. قرار گرفتن در موقعیتی خاص به عنوان یک زن بدون حامی و محافظ
۹. محدود شدن روابط اجتماعی
۱۰. عدم توانایی در دوست‌یابی

مطالعات ماریس^۱ نشان می‌دهد که میل این زنان به استقلال، نفرت از احساس ترحم به خود، دل‌سردی اجتماعی و اندوه، ناکامی خانواده در کوشش برای تسلی دادن به کسی که تسلی نمی‌یابد، ظهور اثرات جانبی فقر مانند سرمایه کم برای نقل و انتقال و تفریح، همه از جمله عواملی هستند که تمایل زن بیوه را به جدایی از اطرافیان تقویت می‌کنند (رک. باقری، عطاران، ۱۳۷۲).

این گروه از زنان با توجه به نقش‌های چندگانه و مسئولیت‌های بسیار، غالباً وقت اضافی برای برقراری روابط اجتماعی ندارند، این موضوع به مرور موجب طرد آن‌ها از جامعه شده و مشکلات عدیده‌ای را برایشان بوجود می‌آورد. یک طرف فرزندان‌شان به خاطر عدم حضور همه‌جانبه سرپرست دچار مشکل می‌گردند و از طرف دیگر، خود سرپرستان به خاطر تأمین مایحتاج خانواده در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. به عبارتی منش و رفتار زنان سرپرست خانواده با خانواده‌های دیگر متفاوت است.

در نهایت زنان سرپرست خانواری که توانایی اداره اقتصادی خود و خانواده را ندارند، دچار نوعی انزوای اجتماعی شده و در معرض آسیب‌های اجتماعی قرار می‌گیرند (محمدی، ۱۳۸۵: ص ۱۴۲).

1- Maris, 1978

همچنین این گروه از زنان بیش از سایر گروه‌ها اتفاقات و وقایع پرخطر و غیرقابل کنترل را تجربه کرده و در معرض جنایت، خشونت، بیماری و از دست دادن کودکانشان قرار دارند. (cf. Linglois & fortin, 1994)

تحقیقات اخیر محققین نشان می‌دهد که روابط حمایت برانگیز اجتماعی به عنوان یک منبع خارجی می‌تواند اثرات ناشی از مشکلات آنان را کاهش دهد. حمایت اجتماعی یک تبادل بین فردی است که طی آن فردی به فرد دیگر کمک می‌رساند و ممکن است به چند روش زیر حاصل شود:

- «حمایت هیجانی»^۱ که از طریق پیوند عشق یا همدردی انجام می‌گیرد.
- «حمایت ابزاری - کمکی»^۲ مانند تهیه و تدارک کالا یا خدمات که شامل دادن قرض یا وام به فرد می‌شود.
- «حمایت اطلاعاتی»^۳ که شامل ارائه اطلاعات درباره موقعیت مشکل است.
- «حمایت در مقام ارزیابی رفتار»^۴ که اطمینان دادن به فرد درباره درستی اعمال و تصمیم‌ها در شرایط مشکل‌ساز است و می‌تواند در کاهش مسائل و مشکلات راهگشا باشد.

اما وجود مراکز متعدد تصمیم‌گیری در مورد این قشر از زنان موجب گردیده تا سیاست‌های یکسانی به کار گرفته نشود و خدمات‌رسانی به این افراد یکسان نباشد و حتی در بعضی موارد دوباره کاری صورت گرفته یا خانوارهای نیازمند واقعی تحت پوشش هیچ نهادی قرار نگیرند. به طور کلی حمایت‌های اجتماعی منسجم و قوانین کارآمد در این زمینه ضعیف عمل کرده و توان حل مشکلات را ندارند. همچنین اینگونه خانوارها به طور کامل بیمه نبوده، لذا مستمري قابل قبولی ندارند. از طرف دیگر عدم سیاست‌های مدون و قوانین کارآمد در این زمینه مشکلات خاصی

1- emotional support
3- informational support

2- instrumental support
4- appraisal support

را برای این قشر از زنان بوجود می‌آورد. در مواردی که این زنان ارتباطات و تعاملات خود را با نزدیکان و شبکه حمایتی خود از دست می‌دهند، فرزندانشان از نظر تربیت اجتماعی دچار مشکل می‌شوند.

۴-۶) مشکلات اقتصادی

زنان در سرتاسر دنیا از وضعیت اشتغال و درآمد مناسب و کافی برخوردار نیستند، بنابراین مسائل و مشکلات آنان نسبت به مردان سرپرست خانواده بیشتر است. براساس اطلاعات بدست آمده از آمارهای بین‌المللی وضعیت جمعیت، کار و درآمد زنان در جهان به قرار ذیل است:

- زنان یک‌دوم کل جمعیت جهان
- دوسوم ساعات کار انجام شده (شامل فعالیت‌های داخل و خارج از منزل)
- یک‌سوم ساعات کار ثبت شده
- یک‌دهم درآمد جهانی
- یک‌صدم مالکیت ثبت شده و اموال و دارایی‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.
- مقایسه آمار و ارقام بالا نشان می‌دهد با اینکه نیمی از کل جمعیت جهان زنان هستند و سطوح بالایی از ساعات کار توسط آنان انجام می‌گیرد، با این حال میزان درآمد دارایی‌های آنها بسیار کم می‌باشد. علی‌رغم اینکه زنان از نظر انضباط شغلی و تعهد و دقت نسبت به مردان بهتر عمل می‌کنند، برای فعالیت در مشاغل سطح بالا، بیشتر مردان انتخاب می‌شوند (رک. غفاری، ۱۳۸۱).

حدود دوسوم از زنان سرپرست خانوار به تنهایی یعنی بدون فرد شاغل در خانواده، تأمین معاش را برعهده دارند که با توجه به محدودیت فرصت‌های شغلی مناسب برای زنان در مقایسه با مردان، دارای درآمد کمتر بوده و عمدتاً در مشاغل پاره‌وقت مشغول به کار هستند. لذا از وضعیت اقتصادی مناسبی برخوردار

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

نمی‌باشند. البته عده‌ای از آنان مانند زنان خودسرپرستی که در سنین بالا هستند و از مستمری همسر متوفی خود استفاده می‌کنند، دارای درآمد بدون انجام کار می‌باشند... تحقیق انجام شده در این زمینه نشان می‌دهد که زنان سرپرست خانواده در ایران بیش از گروه کنترل، خود را در معرض فشارهای اقتصادی مربوط به تأمین مسکن، مایحتاج روزانه و نیازهای فرزندان خود می‌بینند و میزان درآمد آنان به طور معنی‌داری کمتر از گروه کنترل است (رک. خسروی، ۱۳۷۸).

درآمد کمتر زنان سرپرست خانوار موجب فقر نسبی آنان نسبت به مردان سرپرست خانوار شده است، به طوری که ۲۹ درصد خانوارهای دهک اول اقتصادی را خانوارهای بی‌سرپرست یا زن سرپرست تشکیل می‌دهند (مدنی، ۱۳۸۱: ص ۱۱).

بنابراین درصد فقر مطلق زنان سرپرست خانوار بیشتر از خانوارهای دارای سرپرست مرد می‌باشد. منظور از فقیر مطلق در یک جامعه، افرادی هستند که درآمدشان از حداقل درآمد معیشتی معین (تأمین نیازهای اولیه) کمتر باشد، در واقع این افراد زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در سال‌های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵، ۱۳۸۰ به ترتیب هزینه‌های ۴/۴۵، ۵۲، ۵/۱۷ درصد کل زنان سرپرست خانوار، اجازه دستیابی اعضای خانوار را به حداقل‌های مورد نیاز نمی‌داده است؛ بنابراین این عده در فقر مطلق زندگی می‌کرده‌اند. در حالی که این شاخص برای مردان در همان سال به ترتیب ۴/۲۵، ۱/۱۶، ۸/۱۴ درصد بوده است (شادی‌طلب، ۱۳۸۳: ص ۶۰).

۷) عملکرد جمهوری اسلامی

۷-۱) قانونگذاری

- از جمله مصوبه‌های مجلس پیرامون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست ماده واحده‌ای است که در آن دولت مکلف است نسبت به تضمین بیمه و رفاه زنان و کودکان بی‌سرپرست موضوع چهارم اصل بیست و یکم قانون اساسی

اقدام و حداکثر ظرف سه ماه لایحه آن را برای تصویب به مجلس تقدیم کند. در تبصره آمده است که دولت باید حتی الامکان در لایحه جهت خودکفا نمودن، بیمه شدگان را مورد توجه خاص قرار دهد. این قانون در تاریخ ۱۳۶۲/۸/۱ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب و به تایید شورای نگهبان رسیده است.

- از دیگر مصوبه‌های مجلس می‌توان به قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴ اشاره کرد که زنان بیوه، زنان پیر و سالخورده، زنان و دختران بی‌سرپرست و کودکان بی‌سرپرست مشمول این قانون شده‌اند و در آن زنان و کودکان بی‌سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند می‌شوند. حمایت‌های موضوع این قانون شامل موارد زیر می‌باشند:

- حمایت‌های مالی و تهیه امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی مستمر
- حمایت‌های فرهنگی اجتماعی از جمله ارائه خدمات آموزشی (تحصیلی)، تربیتی،... کاریابی، آموزش حرفه و فن جهت اشتغال، خدمات مشاوره‌ای و مددکاری و نگهداری زنان سالمند بی‌سرپرست و کودکان بی‌سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی آنان به افراد واجد شرایط.

- آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست در تاریخ ۱۳۷۴/۵/۱۱ به تصویب رسید که مشتمل بر ۱۴ ماده می‌باشد. طبق ماده ۱، محور و اساس حمایت‌ها و اقدامات اجرایی موضوع این آیین‌نامه ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی و فراهم کردن زمینه‌ها و موجبات عادی‌سازی زندگی زنان و کودکان بی‌سرپرست می‌باشد. در ماده ۲، بر شناسایی کودکان بی‌سرپرست از طریق هماهنگی با نیروی انتظامی و معرفی آنان به سازمان بهزیستی طی مراحل قانونی و از طریق مراجع قضایی تاکید شده است.

- از دیگر مصوبه‌های مجلس، اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت

کارکنان دولت می‌باشد که در تاریخ ۷۵/۷/۱۵ به تصویب رسید. همچنین اصلاح ماده ۹ قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت مصوب ۸۰/۱/۲۲ به این نکته اشاره دارد که مستخدمان زن شاغل و بازنشسته مشمول این قانون که متکفل فرزندان خود می‌باشند.

در ماده ۳، مشمولانی که پس از دریافت کمک‌های بهزیستی به تشخیص مددکاران توانایی لازم جهت کسب درآمد و گذران زندگی عادی را به دست آورده‌اند از شمول اقدامات حمایتی خارج می‌شوند.

در ماده ۴، به اقدامات حمایتی از زنان و کودکان بی‌سرپرست اشاره شده است که شامل:



- خدمات آموزشی و تربیتی
- خدمات کاریابی و اشتغال
- مددکاری، مشاوره و راهنمایی

در ماده ۵، به پرداخت‌های غیرمستمر جهت فراهم آوردن امکانات رفاهی، اشتغال، ازدواج و... اشاره شده است.

در ماده ۶ میزان و مدت پرداخت‌های مستمر تعیین شده است که در آن خانواده‌های دو نفر حداکثر ۳۰ درصد حداقل مستمری ماهانه مشمولان قانون استخدام کشوری در هر سال، خانواده‌های سه نفره حداکثر ۳۵ درصد، خانواده‌های چهارنفره حداکثر ۴۰ درصد و خانواده‌های ۵ نفره و بیشتر حداکثر ۵۰ درصد دریافت کنند.

در ماده ۷، به میزان پرداخت مستمری مشمولان سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به صورت یکسان و هماهنگ اشاره شده است.

مطابق ماده ۹، افراد و خانواده‌هایی که توانایی لازم جهت زندگی متعارف را پیدا کرده‌اند، مجاز به استفاده از حمایت‌های اقتصادی و دریافت مستمری نیستند.

- مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۷۷/۳/۲۴ قانون تشویق احداث و عرضه

واحدهای مسکونی استیجاری را به تصویب رساند که در آن شرایط متقاضیان اجاره یا اجاره به شرط تملیک با حفظ اولویت برای متقاضیان جوان متأهل و افراد کم درآمد و زنان سرپرست خانوار لحاظ شده است.

- در قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور مصوب ۱۳۸۰/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی نیز مبلغ چهار هزار و پانصد میلیارد ریال اعتبار برای اعطای تسهیلات بانکی به طرح‌های سرمایه‌گذاری اشتغال‌زای بخش‌های تولیدی، خدماتی، بخش‌های خصوصی و تعاونی و خود اشتغالی با اولویت زنان سرپرست خانوار اختصاص یافته است.

- در ماده ۹۶ قانون برنامه چهارم توسعه، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی نیز تأمین بیمه خاص (در قالب فعالیت‌های حمایتی) برای حمایت از زنان سرپرست خانوار و افراد بی‌سرپرست با اولویت کودکان بی‌سرپرست در نظر گرفته شده است.

همچنین تهیه و تدوین طرح جامع توانمندسازی زنان خودسرپرست خانوار با همکاری سایر سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط و تشکل‌های غیردولتی و تصویب آن در هیات وزیران در شش ماهه نخست سال اول برنامه لحاظ شده است.

۷-۲) اجرایی

در کشور ما اقدامات ملی محدودی در زمینه فعالیت زنان انجام شده است. از مهمترین اقدامات انجام شده در خصوص فقرزدایی زنان در سال‌های اخیر می‌توان به فعالیت ارگان‌هایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره) بهزیستی و وزارت کار و امور اجتماعی اشاره کرد که بر موضوعاتی از قبیل کارآفرینی و مهارت‌آموزی زنان سرپرست خانوار تأکید می‌کند که البته این طرح‌ها سنتی بوده، پاسخگوی نیازهای زنان سرپرست خانوار نمی‌باشند. نهادهای حمایتی داخل کشور لازم است با قشر

فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان

آسیب‌پذیر جامعه تعامل برقرار کرده، برنامه‌های خود را مطابق با خواسته‌ها و علایق قشر آسیب‌پذیر تهیه و تدوین کنند.

تاکنون بیش از ۴۰۰ هزار طرح خودکفایی توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) اجرا شده که ۷۳ درصد این طرح‌ها در روستاها و شهرهای کوچک و ۲۷ درصد دیگر در سایر نقاط اجرا شده و از این تعداد طرح ۲۳/۳ درصد را زنان سرپرست خانوار اجرا می‌کنند. سالانه بین ۱۲ تا ۱۵ هزار خانواده با اجرای این طرح‌های خودکفایی به استقلال مالی رسیده، از پوشش این نهاد خارج می‌شوند.

در پایان سال ۱۳۸۲ حدود ۲/۲ میلیون خانوار (۱۶ درصد خانوارهای کشور) تحت پوشش مستمر و سازمان یافته خدمات حمایتی کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی کشور، بنیاد شهید و بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی قرار داشته‌اند و علاوه بر آنها، حداقل ۲/۸ میلیون نفر به صورت موردی یا مقطعی از خدمات و حمایت‌های اجتماعی مقرر استفاده نموده‌اند. بیش از ۶۶ درصد از خانواده‌ها، تحت پوشش مستمر خدمات اجتماعی و بیش از ۶۸ درصد از خانواده‌ها و افراد، از خدمات موردی مذکور در شمول اقدامات کمیته امداد امام خمینی (ره) بهره‌مند شده‌اند. تأمین معاش در قالب پرداخت‌های نقدی مستمر و کمک‌های جنسی، تأمین خدمات بهداشتی و درمانی در چارچوب برنامه بیمه درمان اقشار نیازمند و منطبق با مقررات قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور، تأمین و بهسازی و ایمن‌سازی مسکن، تأمین زمینه، شرایط و فرصت اشتغال و خودکفایی اقتصادی، تأمین موجبات و وسایل آموزش و تحصیل در سطوح مختلف آموزش عمومی و تحصیلات دانشگاهی، تأمین موجبات و امکانات ازدواج و تشکیل خانواده، تأمین موجبات و کمک به آزادی و رهایی زندانیان معسر واجد صلاحیت و شرایط، زمینه‌های اصلی خدمات معمول در نهاد کمیته امام خمینی (ره) است که زنان و کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست،

سالمندان روستایی بالای ۶۰ سال و افراد و خانواده‌های فقیر و کم‌درآمد روستایی و شهری، موضوع و محور اساسی حمایت‌ها و جامعه هدف می‌باشند.

از جمله اقدامات بهزیستی، اجرای طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار با افزایش توانایی‌های فردی و جمعی زنان از طریق فراهم کردن ضوابط و امکانات لازم به منظور بهبود دسترسی زنان به فرصت‌های اقتصادی، اجتماعی، منابع فرهنگی و بازار اشتغال می‌باشد. خدمات مورد نظر در این طرح شامل پرداخت مستمری و کمک هزینه جهت وام مسکن و اشتغال، اجرا و تقویت برنامه‌های کاریابی، تقویت خدمات بیمه‌ای، خدمات مشاوره و مددکاری، آموزش مهارت‌های زندگی، ارتقای آگاهی‌های عمومی، اصلاح باورهای نادرست در مورد زنان سرپرست خانوار بوده است. (سایت مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۰/۲۴/۸۵)

۸) راهبردها و راهکارها

۸-۱) رویکرد پیشگیری

۸-۱-۱) تلاش جهت کاهش نرخ مرگ و میر مردان سرپرست خانوار و

افزایش امید به زندگی

بزرگترین گروه از زنان سرپرست خانوار (۸۰ درصد)، زنان بیوه هستند که همسر آنها به دلایلی نظیر سوانح، تصادفات و بیماری‌های فوت شده‌اند، لازم است در جهت کاهش نرخ مرگ و میر مردان سرپرست خانوار و افزایش طول عمر و امید به زندگی آنها اقدامات اساسی انجام گیرد.

۸-۱-۲) کاهش نرخ جرایم در میان مردان سرپرست خانوار

از آن‌جا که تعدادی از زنان سرپرست خانوار به جهت زندانی بودن همسر،

مسئولیت سرپرستی خانواده را بر دوش می‌کشند، لازم است با اتخاذ سیاست‌های حبس‌زدایی و ابهام‌زدایی از برخی قوانین نظیر قانون چک و دیه، نرخ زندانی شدن مردان سرپرست خانوار را کاهش داد.

۳-۱-۸) گسترش پوشش بیمه بین روستائیان و عشایر

انجام بیمه روستائیان و عشایر موجب می‌گردد که پس از فوت یا ازکارافتادگی مردان روستایی و عشایر مقرری به خانواده آنها تعلق گیرد و تا حدی مشکلات خانواده‌های زن سرپرست کاهش یابد.

۴-۱-۸) تلاش جهت اعاده حقوق مالی زوجه در زمان فوت یا طلاق از همسر از آن‌جا که مطابق آموزه‌های اسلامی و قوانین مدنی مهریه، اجرت‌المثل، ارث زوجه و تنصیف به عنوان حقوق و پشتوانه مالی زوجه محسوب می‌شود، لازم است حکومت اسلامی تدابیری اتخاذ نماید تا زنان در این شرایط به ویژه در شرایطی که طلاق به دلایلی نظیر فساد اخلاقی و اعتیاد همسر انجام می‌شود، به طور کامل به حقوق مالی خود دست یابد.

۲-۸) رویکرد حمایتی

به نظر می‌رسد رویکرد حمایتی بیشتر باید متعلق به زنان سالمند و زنانی باشد که سطح سواد پایین‌تری دارند و در شرایطی نیستند که بتوانند شاغل شوند یا حرفه‌ای بیاموزند یا سطح سواد خود را افزایش دهند و نیز زنانی که هیچ نوع درآمدی ندارند و در تأمین نیازهای اساسی خود مشکل دارند و مابقی زنان سرپرست خانوار با رویکرد توانمندسازی و توان‌افزایی جهت تأمین آتیه خود و خودکفایی آماده شوند.

۱-۲-۸) حمایت‌های قانونی

- اختصاص هزینه عائله‌مندی به زنان سرپرست خانوار
- امکان استفاده از مستمری همسر اول در صورت جدایی از همسر دوم
- استفاده از واژه زنان سرپرست خانواده به جای زنان بی‌سرپرست
- اصلاح قانون مستمری بگیران تأمین اجتماعی (اگر مستمری بگیر در سه ماهه آخر عمر خود حق بیمه پرداخت نکرده باشد، خانواده وی پس از فوت از دریافت مستمری محروم می‌شوند).
- اختصاص ردیف بودجه خاص از سوی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی به تمام دستگاه‌ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار
- رفع نابرابری دستمزدی بین زنان و مردان سرپرست خانوار در مشاغل یکسان
- لزوم اجرای طرح بیمه زنان خانه‌دار و بقای این بیمه پس از فوت همسر (استفاده از ۲ بیمه همزمان منع قانونی دارد و بایستی موارد زنان سرپرست خانوار استثنا شود).
- تقویت نظارت و ضمانت اجرای قوانین و آیین‌نامه‌های مربوط به زنان و کودکان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار در برنامه چهارم توسعه و برنامه‌های آتی
- توجه به وضعیت اقتصادی دختران سرپرست خانوار (این دختران معمولاً به همراه مادر خود زندگی می‌کنند و به جهت اشتغال، مخارج مادر بر عهده آنهاست)
- اصلاح دیه زنان سرپرست خانوار در صورت قتل عمدی یا سهوی
- اعطای ۵ سال خدمت جهت بازنشستگی زنان سرپرست خانوار با ۲۵ سال کار و سی روز حقوق
- اولویت استخدام فرزندان زنان سرپرست خانوار
- انتقال حقوق زنان سرپرست خانوار به بازماندگان پس از فوت
- ساماندهی بیمه‌های مختلف نظیر تأمین آتیه، بیمه عمر و غیره جهت تضمین

زندگی آینده و تسهیل استفاده زنان سرپرست خانوار از بیمه‌های فوق

۲-۲-۸) حمایت‌های اقتصادی

- توجه به نرخ تورم در مستمري و کمک‌های اقتصادی به خانواده‌های زن سرپرست

- پیش‌بینی افزایش بودجه سازمان‌های متولی در امور زنان و کودکان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار با توجه به افزایش نرخ طلاق، جرایم و آسیب‌های اجتماعی در هر سال

- در اولویت قرار گرفتن اشتغال زنان سرپرست خانوار (اشتغال این زنان باید به گونه‌ای باشد که به محل زندگی فرد نزدیک باشد و با توجه به مسئولیت تربیت کودکان و عدم امکان سپردن کودکان به مهدکودک و هزینه‌های آن، امکان نظارت و نگهداری فرزندان برای آنها میسر باشد)

- آموزش مهارت‌های شغلی و اجرای برنامه‌های آموزش‌های حرفه‌ای برای زنان بیکار یا جویای کار سرپرست خانوار به منظور برخورداری آنان از دانش و مهارت‌های جدید و افزایش فرصت‌های شغلی آنان

- درج وضعیت سرپرستی خانواده در فرم‌های کاریابی جهت تشخیص و اولویت اشتغال زنان سرپرست خانوار

- گشودن مجاری ویژه وام‌دهی به زنان سرپرست خانوار و خود سرپرست

- ایجاد تعاونی‌های تولید و خدمات ویژه زنان سرپرست خانوار

- اتخاذ تمهیدات لازم نظیر اجاره به شرط تملیک و وام مسکن و وام اجاره

مسکن جهت حل مشکل مسکن زنان سرپرست خانوار

- اعطای کمک‌های بلاعوض، بن ارزاق، طرح اکرام، تهیه سبد غذایی رایگان

برای زنان نیازمند سرپرست خانوار با لحاظ اصل حفظ کرامت آنان

- تشویق افراد به دادن وجوه مستحبی جهت کمک به خود اشتغال زنان سرپرست خانوار
- بخشودگی اقساط بانکی به ویژه بانک مسکن برای زنان سرپرست خانوار فاقد شغل و دارای فرزند صغیر یا فرزند معلول و بیمار خاص
- افزایش اعطای وام‌های طولانی مدت با اقساط کم بازده و اندک، جهت حل مشکل مسکن، جهیزیه، کاریابی، تحصیل خانواده‌های زن سرپرست
- اعطای سهام عدالت به زنان سرپرست خانوار به ویژه نیازمندان و سالمندان آنها در اولویت و در حد بیشتر
- اختصاص بازارچه‌های دائمی خوداشتغالی ویژه زنان سرپرست خانوار
- حمایت‌های ویژه اقتصادی از زنان سرپرست خانوار شاغل در دستگاه‌ها جهت بهبود وضعیت آنها
- گسترش پوشش بیمه‌ای و تخصیص اعتبارات لازم جهت بیمه‌شدن تمام زنان سرپرست خانوار
- ایجاد بنگاه‌های کوچک زودبازده جهت اشتغال زنان سرپرست خانوار ترجیحاً با مدیریت زنان
- حمایت از مؤسسات خیریه مردمی جهت حمایت مالی از زنان سرپرست خانوار و ایجاد شغل برای این گروه از زنان
- افزایش اعتبارات در بودجه سال ۸۶ جهت تأمین و حمایت از زنان سرپرست خانوار و نحوه دقیق هزینه کرد این اعتبارات در جهت حمایت و توانمندسازی آنان
- گسترش اشتغال خانگی زنان سرپرست خانوار از طریق شناسایی و آموزش مشاغل خانگی درآمدزا به منظور اختصاص فرصت کافی برای تربیت فرزندان آنها

- اعطای تسهیلات به دانش‌آموختگان زن در جهت اشتغال خود و اشتغال زنان سرپرست خانوار
- ضرورت تأسیس صندوق حمایت از زنان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار در جهت استقلال و خودکفایی آنها
- برقراری مستمری کافی برای تأمین مایحتاج زنان سرپرست خانوار یا خود سرپرست نیازمند
- اجرای طرح اسکان موقت زنان سرپرست خانوار در مواقع ضروری و بحرانی
- توجه به بعد خانوار زنان سرپرست خانوار در برنامه‌ریزی‌های ملی و اختصاص بودجه در هر سال

۳-۲-۸) حمایت‌های فرهنگی و اجتماعی

- ایجاد مراکز مشاوره و امکان بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای رایگان برای خانواده‌های زن سرپرست
- برگزاری جشنواره‌های خاص جهت تمجید از زحمات زنان سرپرست خانوار شاغل جهت حفظ کانون خانواده
- اتخاذ تصمیمات اساسی جهت جلوگیری از موازی کاری دستگاه‌های حمایتی و خدماتی به زنان و کودکان بی‌سرپرست و سرپرست خانوار
- فراخوان به مراکز مختلف ذیربط جهت شناسایی و تعیین آمار دقیق زنان سرپرست خانوار
- ایجاد بانک اطلاعاتی جامع از زنان سرپرست خانوار و کنترل آماری در هر سال
- ارائه کمک‌های مختلف اقتصادی با لحاظ حفظ، عزت و حرمت زنان سرپرست خانوار
- ارائه خدمات آموزشی، تربیتی و مشاوره ویژه فرزندان زنان سرپرست خانوار

- تشکیل گروه‌ها و انجمن‌های حمایتی و خدمات رسانی به زنان سرپرست خانوار با اهداف کاریابی، گذران اوقات فراغت و تبادل تجربه و اطلاعات و مدیریت بحران‌های خانوادگی آنها
- ایجاد انگیزه جهت ارتقای دانش و سواد در بین زنان سرپرست خانوار
- افزایش آستانه تحمل مشکلات در بین زنان سرپرست خانوار
- تغییر نگرش در مورد زنان سرپرست خانوار و ایجاد روحیه همدلی به جای نگاه ترحم‌آمیز یا بدبینانه نسبت به آنان و ایجاد مسئولیت همگانی در رفع معضلات آنها
- فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها جهت حمایت از زنان سرپرست خانوار در کنار حمایت‌های پدرشوهر و قیم قانونی
- شناسایی، حمایت و تأمین اقتصادی زنان آسیب‌دیده نیازمند (معلول، سالمند و سرپرست خانوار) به منظور تحقق عدالت اجتماعی
- فرهنگ‌سازی در زمینه ترویج ازدواج مجدد زنان بیوه
- باز تعریف واژه زنان سرپرست خانوار از سوی مرکز آمار ایران جهت رفع معضل کم شماری خانوارهای زن سرپرست

۳-۸) رویکرد توان افزایی و توانمندسازی

- آموزش مهارت‌های شغلی و حرفه‌ای جهت کاریابی و اشتغال زنان جویای کار سرپرست خانوار
- ارتقای اطلاعات و آگاهی‌ها و آموزش زنان سرپرست خانوار و فرزندان آنها
- آموزش مهارت‌های زندگی در مواجهه با بحران‌های زندگی
- ارائه اطلاعات لازم بهداشتی جهت پیشگیری از ابتلا به برخی بیماری‌های قابل کنترل

فهرست منابع

- ◀ قرآن کریم
- ◀ الیاس پور، مریم: «بررسی سیاست‌های اجتماعی - حقوقی پیرامون حقوق زنان مطلقه سرپرست خانوار»، پایان‌نامه مقطع کارشناسی رشته خدمات اجتماعی، استاد راهنما تقی‌دوست قرین، ۱۳۸۱.
- ◀ باقری، عطاران: «کودکان محروم از پدر»، تهران، انتشارات تربیت، ۱۳۷۲.
- ◀ بهنام، جمشید: «ساختارهای خانواده و خویشاوندی در ایران»، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۵۰.
- ◀ الحداد، کفاح: «زنان سرپرست»، مجله الطاهره، مؤسسه الفکر الاسلامی، شماره ۱۴۵، ۳۰۰۳.
- ◀ خسروی، زهره: «بررسی آسیب‌های روانی - اجتماعی زنان سرپرست خانوار»، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)، ش ۳۹، ۱۳۸۰.
- ◀ خسروی، زهره: «بررسی مشکلات عاطفی، روانی و اجتماعی زنان سرپرست خانواده»، مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۸.
- ◀ داوودی، سعید: «زنان و ۳ پرسش اساسی»، تهران، نشر نسل جوان، ۱۳۸۲.
- ◀ شادی‌طلب، ژاله: «فقر زنان سرپرست خانوار»، پژوهش زنان، مرکز مطالعات و تحقیقات زنان، دانشگاه تهران، بهار ۱۳۸۳.
- ◀ شادی‌طلب، ژاله؛ امیری، سودابه: «زنان و مسائل جنسیتی در برنامه چهارم توسعه»، پروژه مشترک سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مرکز مطالعات و تحقیقات زنان دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- ◀ صادقی، حسین: «بررسی مسایل اقتصادی زنان سرپرست خانوار»، مرکز امور مشارکت زنان نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۷۵.
- ◀ طباطبایی، محمدحسین: «تفسیرالمیزان»، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، ج اول و دوم، مطبوعاتی دارالعلم، قم، ۱۳۷۴.
- ◀ عباس‌زاده، افسانه: «بررسی سیاست‌های اجتماعی - حقوقی پیرامون حقوق زنان

بیوه سرپرست خانوار»، پایان نامه مقطع کارشناسی رشته خدمات اجتماعی، استاد راهنما تقی دوست قرین، ۱۳۷۹.

«عباسپور، زهرا: «وضعیت روانی-اجتماعی همسران شهیدانی که ازدواج مجدد کرده‌اند»، پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، ۱۳۷۰.

«غفاری، مریم: «چند نقشه بودن زنان سرپرست خانوار، فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۵، بهار ۱۳۸۲.

«فروزان، ستاره؛ بیگلریان، اکبر: «زنان سرپرست خانوار، فرصت‌ها و چالش‌ها»، فصلنامه پژوهش زنان، ش ۵، بهار ۱۳۸۲.

«کلینسی، محمدبن یعقوب: «اصول کافی» ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران نشر فرهنگ اهل بیت (ع)، بی تا.

«مجلس، محمد باقر: «بحار الانوار»، ج ۱۰۳ و ۱۰۴، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۹۸۳ م.
«محمدی، زهرا: «زنان سرپرست خانوار»، انتشارات روابط عمومی شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۵.

«مدنی، سعید: «طرح توانمندسازی زنان سرپرست خانوار»، دفتر بررسی‌های اقتصادی - فرهنگی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شهریور ۱۳۸۱.

«مرکز آمار ایران: «آمارگیری از اشتغال و بیکاری خانوار» سال‌های ۸۳-۱۳۷۶.

«مطیع، ناهید و همکاران: «فرصت‌های کودکان در خانواده‌های زن سرپرست»، یونیسف، مجله زنان، ش ۵۳ و ۵۴، ۱۳۷۸.

«_____: کارنامه سازمان بهزیستی کشور در سال (۸۱-۱۳۷۹)»

- Albayan, 2003.
- Blanon, L., (1999). "Gender, psychological perspective", Allan and Bacon, Boston.
- Buvinic, M., Youssef, N. & Elm, B.V. (1978).
- Chant, S., (1997). «Women-headed Households: Diversity and Dynamics in the Developing World». Houndmills, Basingtoke: Mcmillan.

- Dynamics in the Developing World». Houndmills, Basingtoke: Mcmillan.
- Dennerstein, L. (1993). “**Psychological and mental Health aspects of women’s health**”. Wld statist. Quar, 46, 234 -236.
- Langlois, J.; fortin, D. (1994). “**Single-parent Mothers, poverty and Mental Health: A literature Review**”. Sante-mentale-au-Quebec (1994 , 19, 1, spring, 157- 173.
- Mc Gowan, L. (1990). “**The determinat and conseauences of female-headed households**”. Population council and international center for Research on women.
- Resenfield, S. (1989). “**The effects of women’s employment; personal control and sex differences in mental health**”. Journal of Health and social Behavior, 30, 77 -91.
- Women-Headed Households. “**The ignored factor in development planning**”, International center for Research on women, Washington D.C.